

نظریه خودشناسی رازی در طب روحانی و جایگاه آن در نظام اخلاقی وی

احد فرامرزقراملکی*

چکیده

خودشناسی از عناصر بنیادی هر نظام اخلاقی است. جهت‌گیری روان‌شناختی در نظام اخلاقی رازی و سلامت‌محور بودن آن، خودشناسی را در مفهوم «شناخت عیوب نفس» به کار برده است. شناخت عیوب نفس گام نخست در پیشگیری و درمان بیماری‌های دل است. رازی در این مقام، «خود نقدی» را توصیه نمی‌کند، بلکه رؤیت عیوب نفس در آینه دیگران را مورد بحث قرار می‌دهد. چنین رهیافتی محتاج بیان مهارت‌های نقدپذیری است. مقاله حاضر با تحلیل منابع رازی و مقایسه آن با میراث روایی به نقد و سنجش ره‌آورد وی در خودشناسی می‌پردازد.

کلید واژه‌ها: خودشناسی، مهارت‌های نقدپذیری، نقدگریزی، طب روحانی، اخلاق سلامت‌محور، طب‌انگاری اخلاق، عجب، جالینوس، امام علی(ع)، محمدبن زکریا، رازی.

* استاد گروه اخلاق دانشگاه تهران

۱. بیان مسأله

خودشناسی هم در سنت یونانی و هم در سنت اسلامی جایگاه راهبردی دارد. خودشناسی را سودمندترین دانش‌ها دانسته‌اند و رستگاری را در گرو خودشناسی انگاشته‌اند. فراوان شنیده‌ایم که هر که خود را شناخت برست و هر که از خودشناسی محروم ماند تباہ گشت. و هر که خود را شناخت خدا را شناخت. علیرغم تأکید فراوان بر جایگاه راهبردی خودشناسی در هر دو سنت یونانی و اسلامی، پژوهش‌های دانشمندان ما در خصوص آن ناچیز است. این نکته به ویژه در مقایسه با پژوهش‌های جدید فیلسوفان اگزیستانسیالیست و روان‌شناسان معاصر، بیشتر روشن می‌شود. تمایز خودشناسی (به منزله یک فرایند) از خودانگاشت، به منزله حاصل فرایند، و تمایز خودشناسی لحظه‌ای و هنگام، از خودشناسی پسین و ارتباط و همبستگی خودشناسی با سایر شئون زندگی انسانی در ساحت‌های مختلف بیولوژیک، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، مدیریتی و امثال آنها نمونه‌هایی از ره‌آورد مطالعات جدید در این حوزه است.

مداقه در ره‌آورد حکیمان سلف در خودشناسی، می‌تواند میراث پژوهشی را در این موضوع نشان دهد و پرتوی برای تحقیقات خلف گردد. علم اخلاق یکی از مواضعی است که در آن، خودشناسی مورد توجه دانشمندان پیشین قرار گرفته است. همچنین پیشنهاد ابن‌سینا (۳۷۰-۴۲۸ق) (در مباحث علم‌النفس) در خصوص آزمون انسان در محیطی عاری از محرک‌های بیرونی سبب شد تا محققان پس از وی به ویژه فخر رازی (۶۰۶-۵۴۳ق)، طوسی (۵۹۸-۶۷۲) و ملاصدرا در معنای خودشناسی و متعلق آن به تحلیل بپردازند (برای نمونه نک: شیرازی، الحکمة المتعالیة، ج ۸، ۴۶-۴۷).

محمدبن زکریای رازی (۲۵۱-۳۲۳) در تدوین نظام اخلاقی با جهت‌گیری سلامت‌محور و کاربردی در دوره اسلامی، سرآغاز پژوهش‌های بعدی در دوره اسلامی محسوب می‌شود. «طب روحانی» وی جایگاه مهم تاریخی در این مقام دارد. رازی فصل چهارم این اثر پُر آوازه‌اش را به شناخت عیوب نفس اختصاص می‌دهد. وی در این فصل، گام نخست در رفع عیوب را شناخت عیوب خود می‌داند و شیوه‌های آن را ارائه می‌دهد (ص ۳۵-۳۴). بحث از دیدگاه وی مسایل فراوانی را به میان می‌آورد: چیستی و ابعاد خودشناسی نزد رازی، جایگاه نظریه خودشناسی رازی در نظام اخلاقی رازی و کارآمدی آن در این نظام و پیشینه تاریخی این نظریه و تأثیر تاریخی آن بر

آیندگان. موضوع مقاله حاضر، تحلیل انتقادی دیدگاه رازی در باب خودشناسی بر اساس مباحث وی در «طب روحانی» است. خودشناسی بر حسب سه رهیافت مهم اخلاقی، فلسفی و روان‌شناختی، مفهوم‌سازی‌های گوناگون دارد. از آنجا که رهیافت رازی به خودشناسی، رویکرد اخلاقی است گزارش اجمالی از نظام اخلاقی رازی لازم است.

۲. نظام اخلاقی رازی

کتاب کم حجم «طب روحانی» رازی، با هدف اصلاح اخلاق نفوس و به صورت استدلالی و قابل فهم برای همه مردم نوشته شده است. جهت‌گیری استدلالی در این نظام اخلاقی بر کمترین مفروضات و مقدمات استوار است و در آن برای اقناع مخاطب به اخلاق‌ورزی، باورهای پیشین فراوانی طلب نشده است^۱ و همچنین آگاهانه از رویکرد درون دینی و نقلی دوری شده است.

نظام اخلاقی رازی، سلامت‌محور است، به این معنا که نفس انسان دچار عارضه و آسیب می‌شود و طب روحانی در پی پیشگیری و درمان این عوارض است. به همین دلیل در طب روحانی صرف‌نظر از چهار فصل مقدماتی و یک فصل در آرایه الگوی عملی اخلاق، پانزده فصل کتاب به بیان پانزده عارضه نفس (رذایل اخلاقی) اختصاص دارند. تعریف سلامت نفس و علائم آن را با تحلیل فصل‌های مقدماتی این اثر می‌توان به دست آورد (نک: فرامرز قراملکی، نظریه انسان سالم در نظام اخلاقی رازی، ۱۳۹۰). به اجمال می‌توان گفت: سلامت نفس در حفظ جایگاه عقل، یعنی جایگاه حاکمیت و متبوع بودن عقل و مطابق عقل بودن خواسته‌ها، تصمیم‌ها و رفتارها است (رازی، ۱۳۸۶، ص ۱۸ و ۱۹). مراد وی از عقل، عقل عملی در برابر عقل نظری است.

عقل، سنجش‌گر است و با سنجۀ عقل (رؤیت) می‌توان خوبی و بدی رفتار را سنجید و بایدها را از نبایدها بازشناخت. سلامت انسان در گرو حاکمیت فرمان عقل سنجش‌گر بر همه شئون انسانی است. اگرچه وضعیت طبیعی انسان، سلامت است، اما انسان بالطبع (به معنای کشف درونی) از این سلامت گریزان است. عامل درونی گریز از سلامتی، هوی است. چالش مستمر بین عقل و هوی، سرنوشت سلامت و بیماری را رقم می‌زند. حاکمیت عقل سنجش‌گر بر

۱. به عنوان مثال، رازی در مواضعی استدلال خود را حتی بر قول به بقاء نفس پس از فساد بدن بنا نمی‌نهد.

همه زوایای وجود آدمی، تعریف سلامت نفس است. اما علائم سلامت و نشانه‌های بیماری چیست؟

سخن رازی در مقام تشخیص سلامت، یعنی در بیان تعیین مصداق تابع عقل بودن رفتار، گوناگون است: «اعتدال» به معنای دوری از افراط و تقصیر؛ «اجتناب» از لذتی که به نحوی به الم می‌انجامد و «بسنده کردن» به حداقل نیاز و رعایت حد کفایت در برخورداری، سه ملاک عمده تبعیت از عقل‌اند که در مواضع مختلف به کار می‌آیند. مفهوم سلامت‌محور بودن نظام اخلاقی رازی را در مقایسه با نظام‌های اخلاقی فیلسوفان پسین در دوره اسلامی که در پی تأسیس نظام اخلاقی کمال‌محور بوده‌اند، بیشتر می‌توان تحلیل کرد. هدف اخلاق، در نظام اخلاقی سلامت‌محور، پیشگیری و درمان بیماری‌های عارض بر نفس است و این امر در گرو شناخت این بیماری‌ها است. انسان سالم برای حفظ سلامت نفس باید به صورت مستمر بیماری‌های نفس (عیوب خود) را بشناسد و بر همین اساس گام نخست در نظام اخلاقی رازی، خودشناسی به معنای شناخت عیوب نفس است.

۳. خودشناسی در طب روحانی

خودشناسی یا معرفت نفس به دو معنای مختلف اطلاق می‌شود: معنای مصدری و معنای حاصل مصدر. خودشناسی در معنای نخست، فرایند شناختی معطوف به خود است و در معنای دوم حاصل فرایندشناختی است. امروزه در زبان انگلیسی دو واژه متمایز برای جدا کردن این دو مفهوم به کار می‌رود: self knowledge و self concept. آن دو را به ترتیب خودشناسی و خودانگاشت [یا خودپنداشت] ترجمه می‌کنیم. خودشناسی فرایند مواجهه فرد با خویش است و می‌تواند به نحو مستمر، لحظه‌ای یا به صورت تأخیری باشد، همان گونه که می‌تواند به صورت تجربه‌ای، شهودی یا تدبیری و سنجش‌گرانه باشد. این فرایند می‌تواند معطوف به شناخت توان، کمال، امکانات، احساسات، آفت‌ها و عیب‌های خویش باشد. شئون مختلف من، گونه‌های خودشناسی را رقم می‌زند. بر این اساس می‌توان خودشناسی نزد فرزند زکریای رازی را مورد تحلیل قرار داد.

۳-۱. خودشناسی معطوف به عیوب نفس. سَر اینکه رازی در طب روحانی به خودشناسی می‌پردازد، سلامت‌محور بودن نظریه اخلاقی اوست. گام نخست در پیشگیری و درمان بیماری‌های عارض بر نفس، شناخت این بیماری‌ها است. خودشناسی به منزله مهارت تشخیص، مقدم بر پیشگیری و درمان است. چنین منزلتی اقتضا می‌کند تا مراد از خودشناسی، شناخت عیوب نفس باشد و این یکی از جهات خودشناسی است. به همین دلیل، این انگاره که «خودشناسی چیزی نیست جز شناخت عیوب نفس»، تحویلی‌نگری است. البته ادعای تحقیق حاضر این نیست که رازی تلقی تحویلی‌نگرانه از خودشناسی دارد. مقایسه دیدگاه رازی با دو رهیافت روان‌شناسی (روان‌شناسی مثبت‌گرا و روان‌شناسی سلبی) می‌تواند تلقی رازی از خودشناسی را نشان دهد.

در رهیافت روان‌شناسی سلبی، بیماری امری عارضی است که در سازمان روانی حادث می‌شود و درمان بیماری در گرو شناخت عوامل آن است. روان‌درمانی در تلاش شناخت، طبقه‌بندی بیماری‌های روانی و نیز رصد کردن منشأ و عامل بیماری‌هاست. البته مکاتب روان‌شناسی در تلقی از منشأ بیماری و شیوه‌های کشف آن، تنوع خیره‌کننده دارند. خودشناسی در این رهیافت، شناخت کژی، عیب، آسیب و هر تعبیر دیگری است که در این مقام به کار می‌رود. مقایسه دیدگاه رازی با روان‌شناسان سلبی شامل شیوه‌های شناخت عیوب نفس و بیماری‌های روانی نیز می‌شود که در بحث آتی اشاره می‌کنیم.

رهیافت سلامت‌محور و درمان‌گر به اخلاق، دانشمندان اخلاق را به اهمیت شناخت عیوب نفس رهنمون کرده است. غزالی (۵۰۵-۴۵۰ق) که در نظام اخلاقی تلفیقی خود، چنین رهیافتی را نیز مد نظر دارد و ربع مهلکات «احیاء علوم دین» را به بررسی بیماری‌های نفس اختصاص می‌دهد، نخستین کتاب این بخش را به معرفت نفس اختصاص می‌دهد و در دومین کتاب با عنوان ریاضت نفس به بحث از راه‌های شناخت عیوب نفس می‌پردازد (غزالی، ج ۳، ص ۶۵-۶۴). این مبحث را گونه‌ای شرح مباحث رازی می‌توان انگاشت. در مباحث بعدی دلیل این ادعا را بیان می‌کنیم.

خودشناسی معطوف به عیوب نفس در مثنوی مولوی نیز قابل رؤیت است. مولوی از تعبیر نمادی «خار» استفاده می‌کند و بیماری‌های جسمی را با بیماری‌های روحی به ترتیب با تعبیر

خار در پای و خار در دل مقایسه می‌کند. همه مکاتب روان‌شناسی سلبی با این سخن مولوی هم دیدگاه هستند که «خاری بر دل (سازمان روانی) فرو رفته و سلامتی را از روان ستانده است، این خار دل، مشکل‌یاب است اما اگر یافته شود، سلامت روان حاصل می‌گردد».

چون کسی را خار در پایش جهد پای خود را بر سر زانو نهد
وز سر سوزن همی جوید سرش ور نیابد، می‌کند با لب ترش
خار در پای شد چنین دشواریاب خار در دل چون بود؟ واده جواب
خار دل را گر بدیدی هر خسی دست کی بودی غمان را بر کسی

(مثنوی، دفتر اول، بیت‌های ۱۵۳-۱۵۰)

روان‌شناسان مثبت‌گرا، بر خودشناسی معطوف به شناخت توان و امکانات وجودی و روانی آدمی تأکید می‌کنند. از نظر آنان باید علاوه بر شناخت و طبقه‌بندی بیماری‌ها (عیوب نفس)، فضایل اخلاقی جهان شمول که توانایی‌های روانی‌اند نیز شناخته و طبقه‌بندی شوند. در این رهیافت، خودشناسی معطوف به کشف فضایل اخلاقی نیز هست^۱. فیلسوفانی که نظام اخلاقی آنان کمال‌محور است، نیز بر خودشناسی معطوف به کشف کمالات نفس و مراتب کمال تأکید می‌کنند. در متون روایی نیز خودشناسی ابعادی بیش از شناخت عیوب نفس دارد و آن شامل شناخت منزلت خویش نیز می‌شود (نک: نهج‌البلاغه، حکمة، ۱۶).

بنابراین، نظریه خودشناسی رازی، از جهت ابتناء به نظریه سلامت نفس، به منزله راهبردی در نظام اخلاقی سلامت‌محور رازی، معطوف به شناخت بیماری‌ها و عیوب نفس است. این یکی از اضلاع خودشناسی است و حصر خودشناسی در آن سبب تلقی تحویلی‌نگرانه از خودشناسی می‌شود.

۲-۳. شناخت عیوب نفس به وسیله دیگران. رازی دو طریق شناخت عیوب نفس را تمایز می‌دهد: تدبیر عقلانی بر خویش و رؤیت عیوب خویش در آینه دیگران. اما وی برای دست‌یابی به عیوب نفس به دومی توصیه می‌کند. این دو طریق را به ترتیب خودنقدی و نقدپذیری می‌نامیم. سر اینکه رازی خود نقدی را به میان نمی‌آورد، این است که از نظر وی «خود دوستی (حب نفس) و صواب‌انگاری و نیکوپنداری افعال خویش مانع می‌شود که هوی را از خود بازداریم. انسان به سبب

۱. نمونه‌ای از این طبقه‌بندی را در VIA (values in action) می‌توان دید.

خود دوستی از اینکه با دیده عقل محض و خالص به خلق و سیره خود بنگرد و معایب خویش را بشناسد، ناتوان است» (رازی، ۱۳۸۶، ص ۲۳).

به تعبیر مولوی، دل آدمی مانند آینه است و آینه عیب‌جو و غماز است (آینه غماز نبود چون بود؟) اما زنگار هوی آینه دل را از غمازی انداخته است:

آینه‌ات دانی چرا غماز نیست زانکه زنگار از رخس ممتاز نیست

(مثنوی، دفتر اول، بیت ۳۴)

از نظر رازی خودانتقادی وقتی سودمند است که به ترازوی عقل محض و خالص باشد و این طریق از آن خواص «فیلسوفان» است که می‌توانند داوری عقل را از پنداره‌های هوی بازشناسند. کسی که از چنین مهارتی برخوردار نیست، وقتی به سنجش خود بپردازد، دیدگاه‌های خود را صواب و رفتارهای خود را شایسته خواهد پنداشت و ای بسا به عُجب خواهد رسید (رازی، ۱۳۸۶، ص ۴۶). رازی در فصل هیجدهم و در بحث از طلب رتبه و مقام دنیوی به این بحث می‌پردازد. از نظر وی «بزرگ‌ترین اسلحه و نیرنگ هوی، تشبه به عقل و تدلیس خود به خرد است و حاصل این تدلیس و فریب، خیرپنداری شهوت است» (همان، ص ۸۸). وی برای تمایز آنچه عقل نشان می‌دهد و آنچه هوی به آن رهنمون می‌کند، سه ملاک را برمی‌شمارد:

۱- عقل دوراندیش است و آنچه را که افضل، ارحم و اصلح است از حیث عواقب، برمی‌گزیند هرچند در آغاز برای نفس رنج‌آور و شدت و صعوبت داشته باشد. اما هوی چیزی را برمی‌گزیند که اینک بتواند امر مودبی مماس را برطرف سازد هرچند در پس آن مضرات باشد.

۲- عقل هم منافع و هم مضرات (سود و زیان) را رصد می‌کند، ولی هوی فقط سود و منافع را، آن هم به طرز برجسته‌تر (مثل عیوب نفس)، نشان می‌دهد.

۳- عقل پای‌بند حجت و عذر واضح است، اما هوی تابع اقتناع و میل و موافقت، و اگر استدلالی نیز بیاورد برای فریب و نیرنگ است (استدلال مغالطی) (همان، ص ۸۹).

رازی، علی‌رغم اشاره به این ملاک‌ها در فصل هیجدهم، در بحث از شناخت عیوب نفس و نیز در مبحث عُجب از آنها استفاده نمی‌کند و در واقع از خیر «خود نقدی» می‌گذرد. وی مواجهه شهودی و تجربه‌ای با خویش را نیز اساساً مورد بحث قرار نمی‌دهد و به این ترتیب شناخت عیوب نفس را به دیدن بیماری‌های نفس در آینه دیگران منحصر می‌کند.

فرد باید به انسان عاقلی که غالباً همراه اوست مراجعه کند و از این شخص عاقل بخواهد تا بدون خجالت و مجامله عیوب وی را باز گوید. باید به شخص عاقل تأکید کرد که هرگونه تساهل در این مقام، غش و بد رفتاری در حق وی و موجب سرزنش است و به هر طریقی که بتواند، فرد عاقل را به عیب‌جویی و عیب‌گویی برانگیزاند (همان، ص ۳۴).

دلیل حصر توجه رازی به شناخت عیوب نفس در آینه دیگران، جهت‌گیری کاربردی نظام اخلاقی اوست. همه انسان‌ها به شناخت عیوب نفس نیازمندند، اما عموم مردم (جز خواص از فیلسوفان) از خودشناسی به معنای خودنقدی محرومند. بنابراین، برای آنان باید راه‌های شناخت عیوب نفس به وسیله دیگران را آموزش داد.

غزالی پس از فصل «بیان علامت‌های بیماری دل و علامت‌های باز آمدن وی به صحت»، به بحث از شناخت عیوب نفس می‌پردازد. رهیافت وی مانند رازی است. غزالی در فصلی با عنوان «بیان طریقی که عیب‌های نفس بدان بتوان شناخت» به راه‌هایی حصر توجه می‌کند که در آن با استفاده از دیگران به شناخت عیوب خود دست می‌یابیم. «بیشتر خلق، عیب‌های خود ندانند و خاشه‌ای در چشم دیگران ببینند و در چشم خود تنه درخت نبینند» (غزالی، ج ۳، ص ۶۶-۶۵). و این یکی از عناصر تأثیر رازی بر غزالی است.

رازی از اینکه به چه کسانی باید مراجعه کنیم نیز بحث می‌کند: خود عاقل که از بصیرت و دانایی برخوردار است و ما را نیز می‌شناسد، افرادی که با آنان زندگی می‌کنیم و به تعبیر رازی کسانی که به نحوی در محیط ۳۶۰ درجه زندگی شخصی و اجتماعی ما قرار دارند و حتی دشمنان ما می‌توانند آینه‌ای باشند که در آنان عیوب خود را پیدا کنیم (رازی، ۱۳۸۶، ص ۳۵). غزالی در این مقام چهار طریق را برمی‌شمارد: پیری که عیب‌های نفس بدانند و بر آفت‌های پوشیده مطلع باشد، دوستی صادق دانای متدین، زبان دشمنان، مردمانی که با آنان مخالفت دارد (غزالی، ج ۳، ص ۶۶-۶۵) گویی غزالی سخن رازی را بر اساس گرایش‌های خود، تفسیر و توضیح می‌دهد، فرد عاقل را به پیر تعبیر می‌کند و دوست صادق و دانای متدین را هم به فهرست رازی می‌افزاید.

۴. نقد دیدگاه رازی

شناخت عیوب نفس در آینه دیگران را از چند جهت می‌توان نقد و تحلیل کرد: یک، اینکه بیشتر مردم از خودشناسی محروم و از رؤیت عیوب خویش گریزانند، واقعیت روشنی است.

نمونه‌ای را در تأیید صعوبت خودنقدی و اینکه جز بسیاری از خواص، دیگر انسان‌ها از آن دورند، می‌توان در حوزه نقد کتاب و آثار علمی بیان کرد. مقایسه کمی نقد مؤلف بر آثار خود با نقد وی بر آثار دیگران این ادعا را روشن می‌کند (نک: فرامرز قراملکی، ۱۳۹۰، ص ۴۱).

دو، موضع محقق روان‌شناس یا پژوهشگر اخلاق در قبال وضعیت موجود چیست؟ آیا نباید در راستای تغییر وضعیت موجود (ناتوانی خلاق از خودشناسی و رؤیت عیب نفس) فراتر رفت و برای رساندن مردم به توان خودشناسی و دیدن بیماری‌های روانی، پژوهشی انجام شود. گویی رازی در این مقام به جای حل مسأله، صورت مسأله را پاک می‌کند. مسأله این است که چه باید کرد تا انسان‌ها بتوانند به شناخت عیوب خویش توانا گردند. اهمیت این مسأله در بیان نکته سوم روشن‌تر می‌شود.

سه، کسی که خود از رؤیت عیوب خویش ناتوان است و از دیدن بیماری‌های دل‌گریزان، چگونه می‌تواند دیگران را آینه دیدن عیوب نفس بکند. من وقتی می‌توانم عیب‌جویی و عیب‌گویی دیگران را هدیه تلقی کنم و آینه عیب‌نما را نشکنم که از رؤیت عیوب نفس هراس نداشته باشم. تجربه تلخی که سقراط در دفاعیه خود می‌گوید، در بسیاری از جامعه‌ها و عصرها وجود دارد. سقراط جرم نابخشودنی خود را در این می‌یابد که پس از پاسخ معبد دلفی به سؤال کرفون که «هیچ کس داناتر از سقراط نیست»، به نشان دادن جهل مدعیان علم می‌پرداخت. سقراط به خوبی از خودشناسی به معنای نقد خویش برخوردار بود و می‌دانست که او داناست به اینکه نمی‌داند ولی مدعیان علم از اهل سیاست، شعر و هنر... چون از خودنقدی محروم بودند از نقد مشفقانه سقراط نیز گریزان می‌شدند و برای رهایی از رنج رؤیت عیب نفس مرگ سقراط (شکستن آینه عیب‌نما) را می‌خواستند (افلاطون، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۵). همین واقعیت تلخ‌گریز از رؤیت عیب را غزالی نیز گفته است:

و کم دوستی‌یابی که مدهنت بگذارد و عیب باز نماید، یا جدل نکنند و زیادت از

قدر واجب نگوید. و دوستان خالی نباشند اما از حسودی یا از صاحب غرضی که

چیزی را که عیب نباشد عیب داند، یا از مدهنتی که بعضی عیب‌های تو از تو پوشیده دارد. و برای آن داود طایی - رَحِمَةُ اللَّهِ - از مردمان عزلت گرفته بود، وی را گفتند که چرا مخالفت نکنی؟ گفت: چه کنم قومی را که عیب من از من بپوشند.

چهار، همان‌گونه که در خود نقدی تمایز بین آنچه عقل نشان می‌دهد و آنچه هوی می‌نمایاند، دشوار است، در مراجعه به دیگران تمایز عیب‌نمایی مشفقانه و مدهنته فریب‌کارانه در مواضع فراوانی آسان‌یاب نیست. کار امثال ما بدان انجامیده است که دشمن‌ترین خلق نزدیک ما کسی باشد که ما را نصیحت کند و عیب‌های ما به ما نماید.

رازی مراجعه به فرد عاقل در شناخت عیوب نفس را در مبحث عُجْب نیز توصیه می‌کند (رازی، ۱۳۸۶، ص ۴۶-۴۷) و در همانجا نیز به این نکته توجه نمی‌دهد که چگونه می‌توان از چالپوسی، مدهنته و تمجیدهای ناروای افراد مصون ماند و در دام عُجْب گرفتار نیامد. مقایسه تحلیل رازی با آنچه در میراث روایی وجود دارد، رخنه‌ها و ضعف بیان رازی را آشکارتر می‌سازد. در بخش پایانی این مقاله مقایسه کوتاهی با برخی از روایات ارایه می‌شود.

پنج، روان‌شناسان سلبی به ویژه در رهیافت فرویدی و نیز روان‌پوشی دوانلو، در مراجعه به فرد عاقل، به مفهوم دیگری غیر از آنچه رازی و غزالی (پیر) در نظر دارند، می‌اندیشند. امروزه مصداق بارز فرد عاقل، متخصص روان درمان است که بر حسب دانش و مهارت خود می‌تواند فرد را با بیماری‌های روانی و عیوب نفسش روبرو کند.

مراجعه به فرد عاقل امر مستمری است، چرا که عیوب همیشه پیدا می‌شوند و به تبع آن نیاز به رؤیت عیوب نفس امر مستمری است. رازی به یک معنا ارزیابی در محیط ۳۶۰ درجه را نیز در نظر داشته است و لذا می‌گوید:

می‌توان از همه کسانی که با ما زندگی می‌کنند، چنین درخواستی را طرح کنیم و به مدح‌ها و ستایش آنان حساس باشیم. این شنوا بودن به مدح و ستایش‌ها سبب می‌شود تا بر عیوب نفس واقف گردیم (همان، ص ۳۵)

این محیط ۳۶۰ درجه شامل دشمنان نیز می‌شود.

شش، رازی در خصوص شیوه‌ها، مهارت و اخلاق عیب‌جویی عاقلی که برای رؤیت عیوب نفس به وی مراجعه می‌کنیم، سخنی نمی‌گوید. جای این بحث خالی است که به هنگام

درخواست کسان از ما که به عیب‌جویی و افشای عیوب آنان بپردازیم، از چه شیوه‌ها، فنون، قواعد باید بهره ببریم و در این امر خطیر پای‌بند کدام اصول اخلاقی باشیم. مشاوره در شناخت بیماری‌های روانی و عیوب نفس محتاج تخصص و اخلاق مشاوره است (نک: فرهادی، اخلاق حرفه‌ای و بهداشت روان؛ حسینیان، اخلاق مشاوره و روان‌شناسی و نوابی‌نژاد، اصول اخلاقی و ارزش‌های فرهنگی در مشاوره).

۳-۳) مهارت‌های نقدپذیری. بنابراین، رازی در خودشناسی به معنای شناخت عیوب نفس، به جای فرایند فعال خودشناسی شامل تدبّر عقلانی در خویش، خود محاسبه‌گری، گشودگی با خود، خود افشاگری، اعتراف و مانند آنها، بر مراجعه به دیگران، آینه کردن دیگران و نقدپذیری تأکید می‌کند. نقدپذیری خود یک فضیلت اخلاقی و منشأ فضایل فراوانی است. نقدپذیری محتاج مهارت‌های خاصی است. رازی در این مقام نیز به بیان چند توصیه بسنده می‌کند:

یک، اگر فرد عاقل به خوبی عیوب او را بگوید، چهره غم و شرم بر خود نگیرید بلکه با خرسندی و خوشحالی او را به تکمیل سخن تشویق کنید.

دو، اگر فرد عاقل به نحوی از افشای عیوب خودداری می‌کند، چهره غم و ناراضی‌تی نشان بدهید.

سخنان رازی در این مقام بیش از اندازه ساده‌انگارانه است. البته از رازی سده سوم و چهارم هجری نمی‌توان انتظار داشت که مهارت‌ها و فنون روان‌شناسان روزگار ما را در این مقام توصیه کند. اما عدم توجه رازی به مسأله‌ای مهم را در این مقام نمی‌توان نادیده گرفت: رازی به خود نقدی دعوت نمی‌کند، زیرا هوی فرد را از اینکه بتواند به عقل محض خود را رؤیت کند، باز می‌دارد. رازی به این نکته توجه نمی‌کند که همین رهزنی هوی در مراجعه به دیگران و درخواست افشای عیوب نفس نیز در میان است. انسان‌ها اساساً خواهان نقدند اما در عمل نقدگریز و در موارد فراوانی نقد ستیزند. توانایی استقبال از نقد دیگران محتاج مهارت‌هایی در فرد عاقل (مانند روان‌درمان‌گر) و خود فرد (بیمار) است. کسی که به سبب خودخواهی از نقد خویش ناتوان است، از شنیدن عیوب نیز ناتوان می‌شود (نک: فرامرز قراملکی، ۱۳۸۰، ص ۲۴۶-۲۴۱). غزالی بر این نکته مهم توجه دارد. وی بدون آنکه مهارت‌های نقدپذیری را مورد بحث قرار دهد، نقدگریزی رایج در روزگار خود را به خوبی ترسیم کرده است. عبارت‌های غزالی را گزارش کردیم.

۵. منابع نظریه خودشناسی رازی

رازی در اواخر سده سوم و اوایل سده چهارم هجری قمری می‌اندیشید. در آن روزگار منابع مهم اخلاقی در دسترس متفکران بوده است: آموزه‌های اسلامی شامل آیات و... و روایات، میراث ایران باستان و میراث یونان. رازی در این میان از میراث یونانی متأثر است. وی در بحث از شناخت عیوب نفس از کتابی از جالینوس با عنوان «اخیار از دشمنان خود نیز سود می‌برند» یاد می‌کند و می‌گوید جالینوس در این کتاب منافی را برمی‌شمارد که از جانب دوستانش نصیب او شده است. همچنین وی گوید: جالینوس مقاله‌ای نیز با عنوان «شناخت فرد از عیوب خود» دارد که ما [رازی] چکیده آن را آورده‌ایم (رازی، ۱۳۸۶، ص ۳۵).

در این که مراد رازی کدام مقاله و رساله جالینوس است، اختلاف نظر وجود دارد. دیدگاه مهدی محقق نزدیک به حقیقت است. می‌گوید:

«منظور رازی مقاله‌ای است که جالینوس نوشته و آن را درمان هوای نفس^۱ نامیده است. این مقاله با مقاله دیگر که آن را درمان خطای نفس^۲ نامیده، در سال ۱۹۱۴ به زبان فرانسه ترجمه و در پاریس چاپ شده است و ترجمه انگلیسی آن در سال ۱۹۶۳ در آمریکا منتشر گشته است» (محقق، ص ۲۲۴).

گرایش رازی به این میراث یونانی را براساس طب‌انگاری اخلاق نزد وی می‌توان تفسیر کرد. رازی به صراحت از میراث دینی و آموزه‌های اسلامی بهره‌ای نمی‌برد و این خطمشی وی در تدوین طب روحانی است و در موضعی نیز تصریح می‌کند که در این مقام نباید به نقل و خبر ارجاع داد. عدم بهره‌مندی از متون دینی (کتاب و سنت) در طب روحانی، عوامل و آثار فراوانی دارد. ضعف تحلیل مسائل، به ویژه خودشناسی و صبغه این جهانی (سکولار) نظام اخلاقی رازی از مهم‌ترین آثار محرومیت وی از منابع دینی است.

۶. مقایسه با کلمات قصار امیرالمؤمنین (ع)

رازی رهیافت درون دینی به معنای مراجعه به متون دینی چون کتاب و سنت را فرو می‌نهد. همین امر تأثیر ژرفی در نحوه تحلیل وی از خودشناسی را به میان آورده است. توصیه‌های

1 . The Diagnosis and Cure of the soul's Passion

2 . The Diagnosis and Cure of the soul's Errors

دینی و نظام‌های اخلاقی درون دینی (مأثور) به «محاسبه نفس» تأکید فراوان دارند و محاسبه نفس راه پیشگیری و درمان بیماری‌های چون عُجب و خودشیفتگی مرضی است. بحثی که رازی آن را به منزله یک بیماری نفس در فصل ششم طب روحانی می‌آورد (ص ۴۶-۴۷). محاسبه نفس که به لحاظ شیوه، مقابل نظریه رازی است، از حیث جهت‌گیری معطوف به شناخت عیوب نفس است، هرچند به لحاظ مفهومی می‌تواند اعم از معایب و محاسن نفس باشد. این امر می‌تواند یک تبیین برای پدیده یاد شده و رواج خودشناسی معطوف به عیوب نفس باشد.

اشاره به برخی از روایات در باب خودشناسی نشان می‌دهد که اگر رازی در بهره‌گیری و بهره‌برداری از روایات امساک نمی‌کرد، می‌توانست به تحلیلی ژرف‌تر و شناختی کارآمدتر دست یابد. از آنجا که روایات مربوط به خودشناسی فراوان‌اند و گزارش و تحلیل همه آنها محتاج نوشتارهای مستقلی است، در اینجا به گزارش روایات نقل شده از امیرمؤمنان علی (ع) بسنده می‌کنیم:

۱-۶) خودشناسی فربه‌تر از شناخت عیوب نفس. روایات نقل شده از حضرت امیر (ع) در باب خودشناسی، اهمیت و منزلت آن، نشان می‌دهد که چنین شناختی صرفاً به رؤیت عیوب نفس محدود نیست، اگرچه یکی از ابعاد خودشناسی، شناخت عیوب خویش است.

زیرکی در شناخت خود است^۱ (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۲۹۷). معرفت نفس سودمندترین شناخت‌هاست (همان، ج ۲، ص ۲۵؛ ج ۶، ص ۱۴۸)، کسی که به معرفت نفس دست یابد، به بزرگترین رستگاری دست یافته است^۲ (همان، ج ۶، ص ۱۷۲). این تعبیر ابعاد مختلف خودشناسی را نشان می‌دهد. هدف شناخت آن است که فرد خود را بشناسد (همان، ج ۴، ص ۳۷۲). یکی از ابعاد خودشناسی، شناخت منزلت خویش، توانایی، کمالات و ضعف‌های خویش است. در کلمات قصار نهج‌البلاغه آمده است: «وکفی بالمرء جهلاً آلاً يعرف قدره. در نادانی فرد همین بس که قدر و منزلت خود را نشناسد» (نهج‌البلاغه، حکمة، ۱۶).

۱. الکیس من عرف نفسه و أخلص اعماله

۲. مال الفوز الاکبر من ظفر معرفة النفس

۲-۶) خودمحاسبه‌گری: مصونیت از مداخله. به همین جهت است که برخی از منابع روایی راه مصونیت از چاپلوسی افراد را در خودمحاسبه‌گری نشان داده‌اند. آمدی در غررالحکم از امام علی (ع) نقل می‌کند: «من تعاهد نفسه بالمحاسبة امن فيها المداهنة» (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۲۲۵). در متون روایی توصیه فراوان شده است که قبل از آنکه محاسبه بشوید، خود را مورد حسابرسی قرار دهید (همان، ج ۳، ص ۴۱۳ و ج ۴، ص ۱۱۸). در نهج‌البلاغه بر تقدم خودنقدی بر نقدپذیری تأکید شده است: «و اعلموا أنه من لم یعن علی نفسه حتی یکون له منها واعظٌ و زاجرٌ، لم یکن له من غیرها لا زاجر و لا واعظٌ» (نهج‌البلاغه، خطبه ۹۰، ص ۱۲۳).

۳-۶) خود نقدی فرزنگی است. آمدی دو روایت قریب به یک معنا را در این بحث، نقل می‌کند: «در زیرکی مرد این بس که عیوب خود را بشناسد و بر آنها وقوف یابد (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۵۷۶ و ۵۸۵). عاقل‌ترین کس آن است که بر عیب خویش بصیر باشد (همان، ج ۲، ص ۴۴۵) شناخت فرد از عیوب خویش، سودمندترین شناخت‌هاست (همان، ج ۶، ص ۱۴۳).

نقدپذیری در روایات علوی یکی از راه‌های شناخت عیوب است. دوست‌داشتنی‌ترین کس برای تو، کسی است که از طریق کشف عیوبت برای تو، سبب رهنمونی تو به جایگاه رشد تو باشد^۱ (همان، ج ۵، ص ۴۹)، کسی برای تو نزدیک‌تر است که عیب‌هایت را برای تو هدیه کند و از این طریق تو را بر نفست یاری کند^۲ (همان، ج ۵، ص ۴۸). کسی که برایت عیب تو را افشا کند، دوستدار توست (همان، ج ۵، ص ۲۵۳) و کسی که عیبت را از تو بپوشاند دشمن توست (همان، ج ۵، ص ۲۵۶).

۴-۶) خودنقدی مقدم بر نقدپذیری. برحسب گزارش سید رضی، امام علی (ع) در خطبه‌ای این نکته مهم را یادآور شده‌اند: بدانید کسی که خود را یاور نباشد تا بتواند از خویش برای خویش پنددهنده و بازدارنده یابد، از دیگران هیچ‌گونه پند و هشدار نمی‌خواهد یافت. «و اعلموا أنه من لم یعن علی نفسه حتی یکون له منها واعظٌ و زاجرٌ، لم یکن له من غیرها لا زاجر و لا واعظٌ» (نهج‌البلاغه، خطبه ۹۰، ص ۱۲۳). این نکته به منزله اصل راهبردی در اخلاق است. در تربیت اخلاقی رفتار ارتباطی درون شخصی اساس رفتار ارتباطی بین شخصی و برون شخصی است و پاییدن خویش، خود نقدی

۱. لیکن احب الناس الیک من هواک الی مرشدک و کشف لک عن معایبک

۲. لیکن آثر الناس عندک من اهوی الیک عیبک و اعانک علی نفسک

رفتار ارتباطی درون شخصی است که می‌تواند نقدپذیری یا نقدگریزی (رفتار ارتباطی بین شخصی) را رقم زند.

نتیجه

این تحقیق در پی روشن نمودن چند نکته بود:

- ۱- دیدگاه رازی در خودشناسی سازگار با طب‌انگاری اخلاق و نظام اخلاقی سلامت‌محور وی است.
- ۲- حصر خودشناسی به شناخت عیوب نفس و حسر طریق شناخت عیوب نفس در مراجعه به دیگران رخنه‌های عمده‌ای را در نظریه خودشناسی رازی به میان می‌آورد و آن را به دیدگاهی ساده‌انگارانه می‌رساند.
- ۳- در این مسأله ابوحماد غزالی در احیاء علوم الدین، شارح و پیرو طب روحانی رازی است.
- ۴- مقایسه دیدگاه رازی با روایات گزارش شده از امام علی (ع) نشان می‌دهد که عدم توجه رازی به اصل راهبردی تقدم خودنقدی بر نقدپذیری، توصیه‌های روان‌شناختی رازی در مراجعه به دیگران جهت رؤیت عیوب نفس را ناکارآمد ساخته است.

فهرست منابع

- الشیرازی، ملاصدرا، الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۹۹۰/۵۱۴۱۰م.
- افلاطون، مجموعه آثار، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران: طرح نو، ۱۳۷۵.
- حسینیان، سیمین، اخلاق در مشاوره و روان‌شناسی: مبانی و اصول، تهران: کمال تربیت، ۱۳۸۵.
- خوانساری، جمال‌الدین، شرح فارسی غرر و درر آمدی، تصحیح دکتر سید جلال‌الدین محدث، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.
- رازی، محمدبن زکریا، الطب الروحانی، تهران: موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران، دانشگاه مک گیل، ۱۳۸۶.
- سید رضی، نهج‌البلاغه، ترجمه فیض‌الاسلام، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
- غزالی، ابوحماد، احیاء علوم الدین، بیروت: دارالمعرفه، بی‌تا.

- فرامرز قراملکی احد، از نقدگریزی تا نقدپذیری، چاپ اول در: توسعه مدیریت، شماره ۲۹، شهریور ۱۳۸۰، چاپ دوم در: فرامرز قراملکی احد، پرده پندار: تحلیلی از غفلت در پرتو خطبه ۷۴ نهج البلاغه، تهران، آفتاب توسعه، ۱۳۸۱.
- فرامرز قراملکی، احد و همکاران، ارمان نقد، به کوشش فرشته ابوالحسنی، تهران: خانه کتاب، ۱۳۹۰.
- فرهادی، یدالله، اخلاق حرفه‌ای در بهداشت روان، تهران: اطلاعات، ۱۳۸۶.
- محقق، مهدی، الدراسة التحلیلة للطب الروحانی، در: محقق مهدی، شرح احوال، آثار و افکار رازی، در رازی، السیرة الفلسفیه.
- مولوی، جلال‌الدین محمد، مثنوی معنوی، به کوشش محمدرضا برزگر خالقی، تهران: زوار، ۱۳۸۰.
- نوابی‌نژاد، شکوه، اصول اخلاقی و ارزش‌های فرهنگی در مشاوره، تهران: انتشارات مهدی رضایی، ۱۳۸۷.